

جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۱، دوره ۴، شماره ۴، صص ۶۶۷-۶۵۴

## بررسی تأثیرگذاری قدرت در ترسیم نقشه های جغرافیایی

ابوالقاسم محمودی<sup>۱\*</sup>، عبدالرضا نوری<sup>۲</sup>، امیر کریمی<sup>۳</sup>

۱- فارغ التحصیل مقطع دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی پردیس کیش دانشگاه تهران

۳- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، گرایش ژئوپلیتیک دانشگاه تهران

[mahmoodi\\_ghasem@ut.ac.ir](mailto:mahmoodi_ghasem@ut.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

### چکیده:

قدرت عامل حیات و بقا است. قدرت ملی یک کشور عبارتست از مجموع توانایی های آن کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها برای نیل به منافع خود. الگوهای مختلفی از سوی صاحب نظران و دانشمندان مختلف درباره عوامل و متغیرهای تاثیرگذار بر قدرت ملی ارائه شده است. قدرت و سیاست در عرصه مدیریت محلی، ملی و منطقه ای با ابزارهای مختلف می تواند اراده خود را عملیاتی کرده و موارد مورد نیاز خود را هم به طور مطلوب و به نفع خود بازنمایی نماید. یکی از این ابزارهایی که در طول تاریخ همواره قدرت و سیاست با آنها توانسته اهداف را در عرصه سرزمین ها پیاده کند، نقشه های جغرافیایی می باشد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی این موضوع مهم را بررسی کرده تا مشخص کند که تاثیرگذاری قدرت در ترسیم نقشه های جغرافیایی به چه طریقی بوده است. نتایج نشان می دهد که همواره سیاست مداران و حاکمان کشورها در طول تاریخ از نقشه ها در راستای اهداف خود برای نفوذ و بسط قدرت خود و کشورشان استفاده کرده اند.

واژگان کلیدی: نفوذ، سیاست، نقشه، حکومت، ژئوپلیتیک

## ۱. مقدمه و شرح مساله:

ژئوپلیتیک به عنوان حقیقتی غیر قابل انکار به و عبارتی به نوعی جبر جغرافیایی است که رفتار کشورها در ورای مرزهایشان را تحت تاثیر خود قرار میدهد و برحسب هر نوع موقعیت ژئوپلیتیکی مقدرات و محذوراتی در را اختیار سیاست خارجی کشورها قرار میدهد یا و تحمیل میکند (رجبی و احمدزاده، ۱۳۹۷: ۷۷) نقشه بصورت شگفت انگیزی، ابزار بسیار سودمندی است. از آن برای جمع آوری و نمایش اطلاعات استفاده م یکنیم. و میان پدیده هایی که به ظاهر با یکدیگر بی ارتباط هستند ارتباط برقرار می کنیم، و برعکس ارتباط مکان ها را با یکدیگر قطع می نماییم و موقعیت خود را در میان سایر انسان ها و جوامع تعیین نموده و به خود و جامعه معنا و هویت می بخشیم (Black, ۱۹۹۷: ۹) کاربرد روز افزون نقشه در خانه ها، مراکز آموزشی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و حتی خودروها و هواپیماها نشانگر اعتماد عمومی به عنوان یک مرجع کسب اطلاعات و شناخت موقعیت های محیط پیرامون است. اما باید دانست که نقشه جغرافیایی چیزی بیش از نمایش عوارض سطح زمین با نگاه عمودی از بالا می باشد. و انتقال گزینشی اطلاعات جغرافیایی به روی سطح صاف (کاغذ و رایانه) است. در حقیقت جایگزین واقعیت های محیط بر روی کاغذ می باشد نه خود آن واقعیت ها. به عبارت دیگر، علائم، نشانه ها، رنگ ها و خطوط جایگزین عوارض واقعی سطح زمین می گردد (میرحیدر و حمیدی نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۱) در این مقاله سعی می شود تا تأثیرگذاری قدرت در ترسیم نقشه ها و اینکه چگونه مولفه قدرت توانسته در ترسیم و بازنمایی نقشه های جغرافیایی و سیاسی تأثیرگذاری خاص خود را در دوره های مختلف تاریخی را اعمال نماید، بررسی می شود.

## ۲. روش تحقیق:

روش تحقیق این مقاله بصورت توصیفی - تحلیلی بوده و برای جمع آوری و نگارش مطالب این پژوهش بیشتر از منابع کتابخانه ای، اسنادی و اینترنتی استفاده شده است.

## ۳. مفاهیم کلیدی:

### ۱-۳- قدرت:

قدرت عامل حیات و بقا، و موجود فاقد آن محکوم به فنا است لذا گزینه میل به بقای حیات، انسان را وادار به کسب قدرت می کند. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۵) بطورکلی قدرت عبارت است از عواملی که یک بازیگر را قادر می سازد تا رفتار بازیگران دیگر را که در راستای منافع و اولویت های مورد نظرشان قرار دارد تحت نفوذ قرار دهد. بر این اساس بازیگران می توانند حکومت ها، ملت ها، کشورها و سایر گروه ها را در جهت انجام اقدامی مشخص و یا جلوگیری از انجام آن تحت نفوذ قرار دهند. (۲۶۱: ۲۰۰۴، *fahter & Glassner*) قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی یک ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می نماید و همزمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود از برآیند توانایی های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۵) برای تشخیص و سنجش قدرت ملی یک کشور نمی توان بر روی یک عنصر به تنهایی تکیه کرد بلکه قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که

در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می پردازند. به عبارت دیگر عوامل اصلی شکل دهنده به قدرت ملی کشورها در حوضه های مختلفی قرار دارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۶۸) یکی از حوزه های اصلی تاثیرگذار در قدرت ملی عوامل جغرافیایی است. بطور کلی رابطه جغرافیا با سیاست و قدرت به گذشته بر می گردد. در دوره یونان قدیم ارسطو و استرابو و در دوره قرون وسطی دانشمندانی نظیر بادن و مونتسکیو، در قرن نوزدهم جغرافیدانانی چون کارل ریتز و فردریک راتزل به مباحث مربوط به جغرافیا و سیاست پرداخته اند. (میرحیدر، ۱۳۵۷: ۱۵)

### ۳-۱- ناحیه یا منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه بخشی از زیرمجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین است که از نظر ساختاری یا کارکردی از تجانس و همگونی برخوردار است و بر پایه خصیصه های ساختاری یا کارکردی از مناطق هم جوار خود متمایز می شود. منطقه می تواند خشکی پایه، آب پایه یا ترکیبی باشد و از مقیاس های خرد همچون دریاچه یا شبه جزیره تا مقیاس های کلان همانند اقیانوس یا قاره را در برگیرد. مناطق جغرافیایی بر پایه یک یا چند خصیصه ساختاری، همچون: کالبد فضا، نوع اقلیم، نوع زبان، دین و مذهب، نوع و سطح فرهنگ و تمدن یا خصیصه های کارکردی، همچون: تولید محصول یا عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و... تعیین هویت می شوند. هرگاه متأثر از رویدادها و پیشامدهای سیاسی منطقه دچار تحول شود، تغییر ماهیت می دهد و به منطقه ای ژئوپلیتیک تبدیل می شود. از این رو، منطقه ژئوپلیتیک سرشتی پویا و دگرگون شونده دارد (حیدری موصول، ۱۳۹۳: ۶۶).

### ۳-۲- رقابت ژئوپلیتیکی

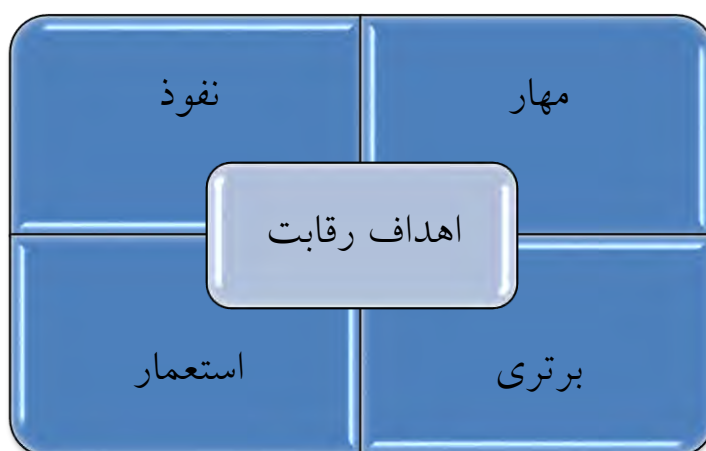
رقابت تلاش دو یا چند گروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در منطقه یا جهان یا دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بدون مقیاس معنا ندارد و فلسفه قانون رقابت، برتری و دستیابی به فرصت هاست. در این بین، اقدامات عملی برای رهبری یا نفوذ در یک کشور، منطقه یا جهان شکل رقابت به خود می گیرد. ممکن است حوزه و منشأ رقابت، سرزمین، ناسیونالیسم، کمبود منابع، قدرت و اقتصاد باشد. از درون این رقابت ها، ائتلاف و رقابت های تسلیحاتی شکل می گیرد. باید توجه داشت که در رقابت، دو یا چند قدرت به طور هم زمان اقداماتی می کنند تا از ارزش های جغرافیایی (مادی و معنوی) سهم بیشتری کسب کنند. رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزش های رقیب ممکن است به «چالش ژئوپلیتیکی» تبدیل شود، این چالش شاید مرحله آخر رقابت های ژئوپلیتیک باشد؛ به همین دلیل اغلب ویژگی ها رقابت ژئوپلیتیک در چالش ژئوپلیتیک تجمع می شود (احمدی، ۱۳۹۷، ۲۰۲). در رقابت ژئوپلیتیک نیازمندیم به دو امر توجه کنیم:

#### ۱. شناسایی ارزش های جغرافیایی؛

#### ۲. بررسی نگرش، گفتمان و ایده های توجه کنندگان به ارزش های جغرافیایی.

مبارزه بین رقبا و مخالفت های ارائه شده یک رقیب یا رقبا، رقابت است که در صورت تداوم، بعد راهبردی به خود می گیرد. رقابت راهبردی در واقع نوعی حرکت ژئوپلیتیک با حاصل جمع صفر دامنه دار میان دو یا چند رقیب است. در این بعد از رقابت، رقبا سعی دارند یکدیگر را از میان بازی حذف کنند؛ زیرا منابع و فضایی که بر سر آن رقابت می کنند، جزء منافع حیاتی کشورهاست. رقابت از منظر ژئوپلیتیک اهدافی دارد که در شکل ۲-۴ نشان داده شده است.

شکل ۱: اهداف رقابت از منظر ژئوپلیتیک



منبع: احمدی، ۱۳۹۷: ۲۰۳

### ۳-۳- روابط بین الملل

اصطلاح روابط بین الملل شامل همه اشکال و شیوه های تعامل یا تجارت بین اعضا و بازیگران مستقل در صحنه جهانی یا جوامع ملی است، اما مطالعه روابط بین الملل شامل تحلیل سیاست خارجی یا فرایندهای سیاسی بین ملت ها به معنای عام آن است. این فرایندها جنبه های مختلفی دارند، برخی از آنها سیاسی هستند و برخی دیگر به تجارت، حمل و نقل، ارتباطات و اقدامات دیگر مربوط می شوند. (کازمی، ۱۳۷۳: ۴۱). در باب روابط بین الملل تعاریف مختلفی به عمل آمده است قوام در کتاب اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، روابط بین الملل را این گونه تعریف کرده: مجموعه اقدامات و کنش های متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیردولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت ها را روابط بین الملل می گویند. (قوام، ۱۳۸۷: ۱۳) اما سیف زاده در کتاب اصول روابط بین الملل، روابط بین الملل را این گونه تعریف کرده است: به معنای قانونمندی های رفتاری صحبت از میانگین رفتارهایی است که کشورها یا انسانها انجام می دهند. این قانونمندی های رفتاری نشان می دهد چگونه کشورها می توانند یا منزلت خود را بالا ببرند و یا آنکه منافع را به دست آورند (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۲۵). همچنین در تعریفی دیگر روابط بین الملل که معمولاً آن را اعم از سیاست بین الملل و سیاست خارجی دانسته اند عبارت است از مطالعه تمام مبادلات، معاملات، تماس ها، جریان اطلاعات و واکنش های ناشی از آنها بین جوامع متشکل و جدا از هم و اجزای متشکل آن ها (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶)

جدول ۱: پیشینه تحقیق. ترسیم از نگارندگان

پژوهشگر و سال	نتیجه تحقیق
<p>دره میرحیدر و حسین حمیدی نیا، سال ۱۳۸۵</p>	<p>در این مقاله یک چارچوب نظری - مفهومی به شرح ذیل ارائه شده است که نسبت نقشه و قدرت در قالب آن مورد مطالعه قرار گرفته است: ۱- نشانه شناسی ۲- قدرت و متن ۳- گفتمان ۴- قدرت و رسانه ۵- نقشه ادراکی و شناختی. فرضیه اصلی این پژوهش این است که نقشه جغرافیایی به این علت در اعمال قدرت و القاء سیاست نقش دارد که "نشانه" است. از دیدگاه هستی شناختی، نشانه بودن یعنی اینکه نقشه انعکاس و بازتاب عینی واقعیتها و عوارض جغرافیایی بصورت یک به یک نیست بلکه جایگزین آن واقعیت هاست. از نظر انتقادی نقشه تنها یک ابزار انتقال اطلاعات بصورت خنثی نبوده بلکه وابسته به منافع و نیت و خواست های کنشگران (کارتوگراف، سفارش دهندگان، دولت ها و حتی تفسیر مخاطبان) است. از دیدگاه پسانوگرایانه (پست مدرن) نقشه یک صورت متعین (از پیش تعیین شده و مطلق) از جهان نبوده بلکه بسته به میل کنشگران، جهان به اشکال مختلف قابل بازنمایی و نمایش می باشد. از دیدگاه سازه گرایانه، نقشه علاوه بر موارد فوق الذکر، ابزار ساختن واقعیت و واقعیت ساز است.</p>
<p>بدیعی و همکاران، سال ۱۳۹۶</p>	<p>در این پژوهش برای نخستین بار از دریچه «قدرت/ دانش» با تأکید بر آرای فوکو، به معنای نقشه نگاه می شود و رابطه قدرت و نقشه با «روش شناسی کیفی» بررسی می شود. نتایج این تحقیق نشان می دهد نقشه، نه تنها ابزار حکومت برای اعمال قدرت و سلطه است، بلکه به عنوان «بازوی قدرت» به «القا» و «اعمال» قدرت کمک می کند. نقشه در چرخه تولید قدرت قرار می گیرد و به همان صورتی که خود تولید و ساخته قدرت است، در بازسازی و تصویرسازی نظام فکری، قدرت تولید واقعیت دارد و فرد به سهولت اطلاعات مندرج در آن را به عنوان واقعیت های بازنمایی شده باور می کند.</p>
<p>حمیدی نیا، حسین، سال ۱۳۹۴</p>	<p>این کتاب بیان می دارد که نقشه مهم ترین ابزار شناخت در جغرافیا و عالی ترین وسیله جهت به نمایش درآوردن اطلاعات و معلومات جغرافیایی است. محیط شناسی در معنای کلی آن یعنی مطالعه رابطه انسان با محیط طبیعی و انسانی، تنها با کاربرد نقشه امکان پذیر است و به باور بسیاری از صاحب نظران جغرافیایی تنها موضوعاتی در حیطه دانش جغرافیا قرار می گیرند که قابلیت بازنمایی از طریق نقشه را داشته باشند. کتاب حاضر به بررسی تحلیل رابطه نقشه جغرافیایی و قدرت سیاسی از طریق نظریه نشانه شناسی پرداخته است.</p>
<p>رنجبر سرتختی، اکبر، سال ۱۳۹۵</p>	<p>در نگارش این پایان نامه تلاش می شود، نخست توضیح و تفسیری از واژگان کلیدی و در ادامه، میزان تأثیرگذاری و به عبارتی نفوذ هر کدام از عوامل یاد شده در ساخت و طراحی نقشه ها، مورد بحث قرار گیرد. اهمیت نقشه ها و اینکه چگونه و تحت تأثیر چه عامل و یا عواملی ساخته می شدند و یا اینکه چه دلایلی موجب برخی تفاوت های چشمگیر و قابل تأمل در نقشه ها می گردد</p>

هم از دیگر مباحث مطرح شده در این پژوهش می‌باشد. ما به دنبال چرایی، تحلیل و تفسیر این موضوع هستیم که چرا بعضی نقشه‌ها توسط طراحان، ضمن حفظ خاصیت آگاهی دهنده در زمینه‌ی موقعیت‌یابی و نمایش عوارض کلی و عمومی، گاه به گونه‌ای ساخته و منتشر می‌شدند که معانی و برداشت‌های خاصی را به ذهن مخاطبان القاء می‌کنند؟ برای این مهم به بررسی و تفسیر ارزیابی سه عامل یاد شده به همراه جزئیات و نمونه‌ها خواهیم پرداخت.

## ۵. تجزیه و تحلیل:

### ۵-۱- قدرت و نقشه‌های جغرافیایی

قدرت کارکردهای گوناگونی دارد که محور اصلی آن را فراهم کردن شرایط تحقق اهداف و تمایلات فرد یا گروهها می‌توان دانست. قدرت عامل حیات و بقاست. لذا محبوب انسان، گروه‌ها و دولت‌هاست. موجود فاقد قدرت، محکوم به فناست و غریزه‌ی میل به بقای حیات، انسان را وادار به کسب قدرت می‌کند. اگر گفته شود که انسان، خواسته یا ناخواسته، مستقیم یا غیر مستقیم در زندگی خود، سرگرم کسب قدرت و حفاظت از آن است، سخنی به اغراق نخواهد بود. این واقعیت میل طبیعی و ذاتی انسان را بیان می‌کند. همچنین از قدرت برای دستیابی به منافع و امنیت ملی استفاده کرده و سعی می‌کنند با استفاده از آن از منافع ملی حفاظت نموده و آن را توسعه دهند. البته در کنار این اهداف داخلی و خارجی، دولت‌ها از قدرت، سوء استفاده نیز می‌کنند و آن را وسیله‌ی بقای خود قرار داده و دوره‌ی فرمانروایی خود را طولانی‌تر می‌کنند و اغلب اوقات، برای تضمین بقای خود از قدرت علیه ملت خود نیز استفاده می‌کنند و علی‌رغم خواست ملت‌ها، روابط مسالمت‌آمیز با ملت را خصومت‌آمیز نموده و با کاربرد اهرم‌های قدرت نظیر قانون، ارتش، نیروی پلیس، دستگاه قضایی و غیر آن به آزار مردم خود پرداخته و به آن نیز، مشروعیت غیر منطقی می‌بخشند اسلام و دیگر ادیان توحیدی، نگاهی الهی، متعالی و خاص به قدرت دارند. از دیدگاه اسلام و علمای دین، منشأ قدرت خداوند است. علت غایی قدرت در اسلام، هدایت، سعادت و فضیلت است. قدرت سیاسی در جامعه اگر بدون معیارهای خیر، فضیلت و سعادت مداری اعمال شود، از ماهیت هدف دار خود تهی می‌شود. قدرت زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که به وسیله‌ی آن حقی به پا یا باطلی بر انداخته شود. قرآن کریم معنی قدرت را فقط تجمع امکانات مادی و کاربرد آن جهت تأمین منافع نمی‌داند؛ بلکه آن را در معنای بسیار وسیع که اعم از مادی و معنوی است، در نظر می‌گیرد» (زارعی، ۱۳۹۲: ۲۳).

یکی از انواع مهم قدرت، قدرت سیاسی است. قدرت سیاسی ناشی از فعالیت افراد هم‌رأی و عقیده و تعامل آنها با یکدیگر در مدیریت و اداره امور جامعه در سطح کلان و رأس هرم اجتماعی است. تمامی سازمان‌ها تا حدودی از هم‌آرایی و نظم و از این رو در میزانی از قدرت سیاسی در معنای اعم مفهوم شریک سهم هستند؛ اما نهاد قدرتمند سیاسی با عنوان حکومت (دولت) شناخته می‌شود. از نظر تاریخی، دولت در اشکال گوناگونی بروز و ظهور یافته است. از دولت شهرهای کوچک، امپراتوری چندملیتی تا اشکال مدرن حکومت ملی که همه در زمره‌ی نهاد عالی سیاسی، یعنی دولت قرار می‌گیرند» (حمیدی نیا، ۱۳۹۳: ۷۸). رابطه جغرافیا با سیاست و قدرت در گذشته مورد

توجه دانشمندان و سیاستمداران بوده است. در یونان قدیم، ارسطو و استرابو و در دوره قرون وسطی دانشمندانی نظیر بادن<sup>۱</sup> و مونسکیو و در قرن نوزدهم جغرافیدانانی چون کارل ریتز و فردریک راتزل به مباحث مربوط به جغرافیا و سیاست پرداخته اند. در دوره اسلامی هم دانشمندانی نظیر ابن خلدون به مطالعه ی روابط بین عوامل جغرافیایی و محیط طبیعی با سیاست پرداخت و نظریه معروف خود درباره قبیله و شهر یعنی دو واحد قدرتمند سیاسی در آن زمان و نیز چرخه پیدایش و سقوط دولتها بر پایه آن ارائه نمود. ژئوپلیتیک بر آن بخش از دانش جغرافیا تأکید می کند که با قدرت و سیاست پیوند می خورد. در واقع جوهر ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل می دهد. چه در فرآیندهای تولید قدرت و چه در فرآیندهای توزیع فضایی و جابجایی قدرت و چه در ارتباط با ساختار جهانی قدرت، دانش ژئوپلیتیک است که به این مسائل می پردازد. از این رو می توانیم ژئوپلیتیک را دانشی بدانیم که به مطالعه ابعاضایی - جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه های سیاست ملی و بین المللی می پردازد» (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۲۳۱ - ۲۳۳).

«قدرت نه تنها از لحاظ شدت و تمرکز فضایی تغییر می کند، بلکه در بعد زمانی نیز دارای افت و خیزهایی است و به همین دلیل، سلطه گر دیروز ممکن است مهره دست نشانده فردا باشد. اختلافات در نحوه توزیع قدرت در نظام کشورها، موجب ظهور نظام های مختلف قدرت می شود که به نظر می رسد، قوانین متفاوتی بر آنها حاکم است» (مویر، ۱۳۹۲: ۲۷۵). قدرت ابعاد مختلفی دارد و علاوه بر جنبه مورد بحث در این پژوهش، شامل قدرت در دین و مذهب هم می باشد که به منزله یک قوای محرکه و نیرو بخش برای قدرت سیاسی به شمار می رود. در کانون و مرکز نظام سیاسی، قدرت سیاسی بین نهادهای ساختاری ملی توزیع شده است و توزیع آن الگوی متوازی ندارد. جایگاه و نقشی که قانون اساسی بر اساس نظریه دینی ولایت فقیه برای رهبر در نظر گرفته است سبب شده ثقل قدرت سیاسی در نهاد رهبری متمرکز شود؛ این قدرت با افزوده شدن قدرت مذهبی و دینی بر آن به طور مضاعف تقویت می گردد» (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۲۶۶).

## ۲-۵- ماهیت قدرت در نقشه

شناخت و فهم ماهیت و معنای بسیاری از پدیده ها، نیازمند گذر از ظاهر و غور در اعماق معنایی آنهاست تا شناخت و درک انسان از آنها تکمیل شده و به شناخت واقعی تر آنها نزدیکتر گردد. به همین خاطر یکی از روش های شناخت، استفاده از روش های فرا اثبات گرایانه می باشد. امروزه یکی از راههای درک و فهم امور و پدیده ها، استفاده از رویکرد «قدرت - دانش» است که در این راستا، میشل فوکو، اندیشمند فرانسوی به عنوان متفکر مطرح این حوزه شناخته می شود. وی سعی در واکاوی رابطه قدرت و دانش و تأثیرات دو جانبه این دو متغیر دارد. نقشه از پدیده هایی است که شناخت واقعی آنها نیاز به درک عناصر و عوامل بسیاری دارد. هر چند در نگاه نخست، نقشه به عنوان یک پدیده، ترسیم بخشی از یک حوزه جغرافیایی یا کل کره زمین را به نمایش می گذارد؛ اما این تمام معنای نقشه نیست و ماهیت آن متفاوت از این می باشد. نقشه نه تنها ابزار هر حکومت برای سلطه و اعمال قدرت است؛ بلکه نقشه خود نیز به عنوان بازوی قدرت به ابقا و اعمال قدرت کمک می کند. نقشه در چرخه تولید قدرت قرار می گیرد و به همان نحوی که خود زاییده و ساخته قدرت می باشد، در بازسازی و تصور سازی نظام فکری، دارای قدرت

<sup>1</sup> Baden

تولید واقعیت و حقیقت می باشد و فرد به سهولت، اطلاعات مندرج در آن را به عنوان واقعیت های بازنمایی شده باور می کند. به نظر میشل فوکو ابعاد درک رابطه ی قدرت دانش از طریق ارجاع قدرت به فضا، قابل درک می باشد. مرزها و حوزه های نفوذ، همواره وجود داشته اند و این ایدئولوژی ها بوده اند که سرزمینها را به استعمار در آورده اند. قدرت، پیوند تنگاتنگی با فضا دارد. فضاها از طریق اعمال قدرت، ایجاد می گردند. نقشه ها در طول تاریخ جوامع انسانی، وسیله ای به منظور بازنمایی موقعیت مکانها و فضاها به تدریج به ابزاری در جهت بازنمایی جایگاه، قدرت و امتیازات جوامع، قبایل و کشورها تبدیل شد (میر حیدر و حمیدی نیا، ۱۳۸۹: ۲۹۶). خواست قدرت و میل و توانمندی در تمامی اعمال، رفتار و احساسات و افکار بشر، نمود و تجلی آشکاری دارد. انسان به ظرافت طبع خود، تولید کننده و مصرف کننده افکار و اندیشه هایی است که بر توانمندی وی بیفزاید و خواست قدرت را هر چه بیشتر تأمین نماید و همچنین انسان بر مبنای شرایطی که چندان در حوزه داوری عقل نیست از جمله بر حسب شرایط تاریخی و وجودی خود، اموری را به عنوان غایات و وضعیت های مطلوب و نهایی تلقی کرده و به تولید یا اقتباس از اندیشه هایی می پردازد که به توانمندی وی در رسیدن به غایات و یا در صیانت و تثبیت وضعیت های مطلوب بیانجامد. از نظر میشل فوکو «قدرت» را نباید صرفاً سرکوبگر به شمار آورد؛ بلکه می تواند مولد هم باشد. قدرت، گفتمان و دانش ها و ذهنیت ها را می سازد. آنچه باعث اثر گذار بودن قدرت می شود آن را قابل پذیرش میکند، این واقعیت است که قدرت صرف مانعی در برابر ما نیست که می گوید «نه»؛ بلکه از این حد در می گذرد و پدیده ها را تولید می کند، لذت ایجاد می کند، معرفت به وجود می آورد و گفتمان تولید می کند. از نظر فوکو، قدرت، هیچ مرکز و جایگا؛ واحدی ندارد و از دیگر سو «قدرت» در همه جا هست. قدرت در تمامی لایه های مختلف جامعه پخش شده است. و اگر چه نمی توان قدرت را تعریف کرد؛ اما می توان نحوه ی عملکرد و نحوه ی انتشار آن را در جامعه توصیف کرد. در حقیقت، یکی از پر اهمیت ترین مؤلفه های قدرت، نحوه عملکرد در آن است» (امیری و افضلی، ۱۳۹۴: ۳-۲). نقشه ابزاری برای ترسیم و توصیف پدیده های روی زمین است و به نظر می رسد، هدفی جز بازنمایی واقعیت ها بر روی کاغذ نداشته باشد. نقشه می خواهد به علم و دانش کمک کند تا فهم و انتقال مطالب و پدیده ها را به ذهن انسان، آسان تر نماید. اما به نظر، قدرت از پشت پرده وارد می شود و سعی می کند تا به وسیله آن، واقعیت سازی نموده و واقعیت های مورد نظر خود را بازنمایی کند. با اینکه در طی قرنها، تولید نقشه ها، هدف اولیه جغرافیدانان و کاوشگران بوده است؛ ولیکن این کار طولانی و مشکل که نیازمند مشاهدات در صحنه و تبحر در دانش ریاضی بود، به فرمان و با پول حاکمان کشورهای بزرگ انجام می گرفت. پس نقشه ها ابزار جدایی ناپذیر قدرت به وسیله فرمان دادن از راه دور هستند (رنجبر سرتختی، ۱۳۹۵: ۷۹)

همانطور که «بریان هارلی» اشاره می کند، کارتوگرافی همیشه «علم شاهزاده ها» بوده است. در دنیای مسلمانان، خلفا و بعداً سلاطین به حمایت کردن از نقشه کشی معروف بودند. همانگونه که امپراطوری های مغول، هند و حاکمان چین این چنین بودند. در اروپای مدرن اولیه، پادشاهان مستبد به حمایت خود از کارتوگرافی بهاء می دادند. از اوایل قرن هجدهم، هنگامی که مساحی های توپوگرافیک ملی آغاز شد، به طور فزایندهای دولت، مسئولیت حمایت مالی که به نفع سیاست ها و منافع نخبگان بود را بر عهده گرفت. از این رو نقشه، تقریباً بازنمای کاملی از حکومت است. اما قدرت، نقش خود را در این حد، محدود نمی کند و سعی می کند تا علاوه بر کمک به تهیه نقشه واقعیت های



قابل ترسیم بر روی نقشه را نیز تحریف و به نحوه دلخواه بازنمایی نماید. قدرت، واقعیت‌ها را بازسازی می‌کند و حکومت به عنوان عامل قدرت با بهره‌گیری از فنون و تکنیک‌های نقشه‌کشی این کار را انجام می‌دهد تا واقعیت بازسازی شده را به آسانی برای عموم قابل پذیرش کند. حکومت به عنوان عامل قدرت، حتی برای رسیدن به مقصود خود، در صورت امکان از قدرت قهریه‌ی خود نیز استفاده می‌کند تا واقعیت، آنطور که مطلوب اوست بر روی نقشه نمایش داده شود (امیری و افضل‌ی، ۱۳۹۴: ۶).

### ۳-۵- تأثیر گذاری قدرت در طراحی نقشه و نمونه‌های آن

در دیدگاه انتقادی، نقشه به عنوان یک رسانه انتقال دهنده پیام به تناسب مقاصد و اهداف و نیت نقشه‌نگار و سفارش دهندگان آن بوده و پدیده‌ای خنثی نیست. از این دیدگاه، نقشه به صورت گزینشی با اهداف ویژه، پراکندگی مکانی - فضایی پدیده‌ها را روی سطح زمین به نمایش در می‌آورد. در واقع آنچه که نقشه نمایش می‌دهد، همیشه نمایش وضعیت واقعی نیست و با هر نمایش، شکاف بین واقعیت و آنچه که نمایش داده شده با روابط قدرت که در درون ساختار اجتماعی مصرف می‌شود پر می‌شود. نقشه‌های امروز بی - گناهی خود را از دست داده‌اند! مخفی‌سازی کارتوگراف‌ها از عینیت، چه عمدی و چه سهوی، بیانگر این است که همه نقشه‌ها ساخت‌های اجتماعی هستند. نقشه‌ها از طریق استفاده از رنگ‌ها، اندازه، تحدید حدود و فضا، جهت‌های ثابت و دیگر شیوه‌های فراگیر در نقشه برداری برای بیننده خود، تصویری از جهان، کشورها و دیگر سرزمین‌ها فراهم می‌آورند (میر حیدر و همکاران، ۱۳۹۲: ۶).

حکومت‌ها برای برای بازنمایی اهداف، نیت و تصورات جغرافیایی خود به هر نحو ممکن سعی می‌کنند تا با نقشه بازی نموده و ایده‌های جغرافیایی خود را منتقل نمایند. شاید از مهمترین پدیده‌های سیاسی برای فهم ترکیب ذهنیت و تصورات با عینیت «نقشه‌های تبلیغاتی باشند که هویت ویژه‌ای را برای برخی نواحی جغرافیایی نشان می‌دهند. «سیاست» و «حکومت» همواره سعی می‌کند از ابزار علمی «نقشه» برای بازنمایی مطلوب فضای جغرافیایی استفاده کند و از طریق تصورات بازنمایی شده بر روی نقشه، واقعیت تحریف شده و جدیدی را ایجاد نماید و به اهداف خود برسد. به عنوان مثال در ۱۹۱۷ آمریکا وارد جنگ شد و همزمان، آمادگی خود برای صلح را از طریق تاسیس یک تحقیق مخفی به نام تفحص آغاز نمود. «تفحص» که به وسیله‌ی رئیس جمهور ویلسون بنا نهاده شد و در انجمن جغرافیایی ایزایا بومن در آمریکا سازماندهی شد، مؤلف به «تعیین سیاست آمریکا» بود تا در کنفرانس صلح احتمالی استفاده شود. کارتوگرافی از سوی کشورها برای مشروعیت بخشیدن به توسعه طلبی‌های امپریالیستی‌شان نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نقشه برداران همراه نظامیان بودند؛ به طوری که همراه با آنان، سراسر کره زمین را در جستجوی به دست آوردن داده‌های مربوط به زمین، پیمودند. هر چند که آنها جزئیات زمین‌هایی را که نمایش می‌دادند، نمی‌آوردند یا اشاره جزئی به آنها داشتند؛ ولیکن نقشه‌های تهیه شده به طور گسترده‌ای در تعیین حدود گسترده نفوذ سیاسی کشورها مؤثر بوده و کاربرد داشتند. نمادهای به طور واضح دینامیک و یا مهمترین نمادهای متغیر، جهت‌دار هستند، مانند دوایر هم‌مرکز؛ یا فلش‌های کشیده شده بر روی نقشه‌های آلمانی که نشان دهنده فشار و اجبار استراتژی نیروهاست (Henrikson, ۱۹۹۴: ۶). یکی از قدم‌های اولیه یک کشور استقلال یافته این است که یک اطلس ملی را به چاپ رسانده و از نشانه‌ها در نقشه استفاده کند تا هویت جدید کشور در این نقشه

جدید ابراز شده و غرور جدیدی از مکان منعکس گردد. از طرف دیگر تمرکز در نقشه می تواند باعث شود تا ضعف، آسیب پذیری و عدم ثبات یک کشور، از این طریق برطرف شود. قبل و هنگام جنگ جهانی اول پادشاهی آلمان غالباً ترس خود را از «اینلر سونگ» بیان داشت و این بدین دلیل بود که به وسیله قدرت های پیشین محاصره شده بود و سعی داشت تا آنها را از حرکت باز داشته و آنها را ناامید کند. اما کشتی جنگی آلمان که به وسیله بریتانیایی ها نابود شد، نسل بعد آلمانی از موقعیت جغرافیایی خویش و تبعیضات صورت گرفته علیه آنها همیشه ناراضی بودند؛ به همین دلیل، نیروی جنگی آلمان سعی نمود تا در حلقه قدرت شکاف ایجاد شود و این امر بر روی برخی از نقشه هایی که توسط رایش سوم به چاپ رسیده وجود دارد که بیانگر استفاده از نقاط ضعف و تلاش برای ایجاد شکاف و انفجار است. زمانی که ایالات متحده یک موقعیت وسیع تری را در اقیانوس آرام به دست آورد، پس از اینکه بر مکزیک در جنگ ۱۸۴۸-۱۸۴۶ پیروز شد، برای اولین بار در مرکز نقشه های جهان قرار گرفت. دیگر فاکتورهای تأثیر گذار بر تغییرات کارتوگرافیکی، مرکزیت آمریکا، هیئت های اکتشافی آمریکایی به رهبری چارلز ویکنز در اقیانوس آرام در ۱۸۳۸ تا ۱۸۴۲، کشف طلا در کالیفرنیا در ۱۸۴۸، حفظ وحدت با پیروزی ایالات شمالی در جنگ داخلی در ۱۸۶۵ و خرید آمریکا از روسیه توسط آمریکا در ۱۸۶۷ بود. پیروزی ایالت متحده بر اسپانیا در ۱۸۹۸، که مرکزیت آنها را در نظم جهانی به دنبال داشت، بر روی نقشه های جهانی و تولیدی آمریکا مثل نقشه جهانی مرکاتور که در اطلس عمومی و جدید آگوست میشل و سایر کارها نمایش یافت، کل چارچوب کره زمین در نقشه تغییر یافت (۱۱-۷: ۱۹۹۴: *Henrikson*). شاید بتوان گفت فشارهای سیاسی حکومت ها در کشور آرژانتین بر مؤسسه های کارتوگرافی در این زمینه در طی دهه های گذشته بی نظیر باشد. یکی از ویژگی های قابل ملاحظه جغرافیای منطقه آرژانتین، استفاده از تصاویر کارتوگرافیکی برای قرار دادن آرژانتین در داخل این جهان وسیع می باشد. استفاده گسترده آرژانتینی ها از سیستم های تصویر جهان با تمرکز بر روی قطب با هدف برجسته نمودن اهمیت آرژانتین در دفاع از نیمکره جنوبی در مقابل منابع کمونیستی تهدید آفرین، مانند اتحاد جماهیر شوروی بود (امیری و افضلی، ۱۳۹۴: ۶). نقشه ها به وسیله حکومت ها و با هزینه های آنها به وجود می آیند و حکومت ها با توجه به سلطه ای که بر سازمانهای مربوطه دارند، سعی می کنند آنها را وادار به گنجاندن اطلاعاتی بر روی نقشه نمایند که تضمین کننده و تحکیم بخش قدرت و سلطه آنها باشد که البته در برخی موارد، این اطلاعات خلاف واقعیت اصیل بوده یا اطلاعات اصیل را تحریف نموده تا منظور آنها فراهم گردد. بدین ترتیب «نقشه» به عنوان ابزاری برای رابطه سلطه و قدرت، مورد استفاده قرار می گیرد (همان: ۹ - ۷).

یکی از جلوه های قدرت در قالب استعمار نمایان می شود و در اسامی جغرافیایی روی نقشه تأثیر می گذارد. آفریقا از جمله مکانهای جغرافیایی است که بیشترین تأثیر را از نام گذاری های استعماری پذیرفته است. با وجود آنکه بسیاری از انسان شناسان عقیده دارند، نوع بشر از آفریقا و به ویژه شرق آن قاره به سایر نقاط جهان پخش شده و فرهنگ های اقوام و ملل آفریقا در زمره دیرپاترین دستاوردهای بشری در طول تاریخ بوده است؛ اما امروزه چشم انداز غالب فرهنگی به ویژه در حوزه نامها، نشان از تأثیر پذیری ژرف این قاره از حضور دیر پای استعمار در آنجا دارد. این نام ها در همه عوارض جغرافیایی و سیاسی دیده می شوند؛ از نام کشورها گرفته تا کوهها، دریاچه ها، رودخانه ها و شهرها (حمیدی نیا، ۱۳۹۳: ۹۰). بعضی نقشه های منتشر شده بیانگر ترس اروپا از روسیه است. مسکو:

کرملین، نگرانی های اروپایی در باره توسعه سیستم های موشکی اش در ناحیه تحت محاصره کالینگراد را با بیان این مطلب رفع کرد که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، تنها سازمان مختل کننده توازن و تعادل استراتژیک با طرح هایش برای برقرار کردن پدافندهای ضد موشکی در مرزهای روسیه بوده است؛ اما زراد خانه روسی در بالتیک که تعدادی از آن در سوریه تست شده است، یک تغییر دهنده بازی است. در ماه اکتبر، روسیه دفاع های ضد کشتیرانی اش را در کالینگراد با این پرتابگرها تقویت کرد. از آن به بعد، آنها را به عنوان سلاح دفاعی علیه موقعیت های شورش در سوریه استفاده کرد. موشکهای سوپر سونی از باستیون، حیطه ای تا شعاع دویست مایل دارند. در یک درگیری آنها را می توان علیه کشتی های ناتو استفاده کرد که سعی دارند به ایالت های بالتیک برسند.



نقشه ۱: سیستم موشکی روسیه

موشک های کروز با توانایی هسته ای واقع در کشتی کالیبر: در ماه اکتبر، روسیه دو کشتی بادبانی - موشکی را مجهز به پرتاب گرهایی به کالینگراد فرستاد که این موشک ها را بیشتر از ۹۰۰ مایل می توانند آتشباران کنند. یک کشتی موشکی روسیه واقع در خارج از سوریه، موشک های کالیبر را به نیروهای شورشی پرتاب کرده است (رنجبر سرتختی، ۱۳۹۵: ۷۹)

سیستم موشکی بالستیک اسکندر - ام - با توانایی هسته ای و متحرک واقع در زمین: اسکندر - ام - سیستم موشکی بالستیک متحرک محدوده کوتاه با حیطه و دید رسمی بیشتر از ۳۰۰ مایل است که با محدودیت های تنظیم شده به

وسيله پيمان نيروهاي هسته اي با دايره دي متوسط ۱۹۸۷ امضا شده به وسيله *ns* در شوروي سازگار است. اسكندر متحرک است و كشف آن بسيار مشكل و دقت عالي دارد (Filipov, 2016: 2-6)

## ۶- نتیجه گیری

نقشه ها از همان اوان شكل گيري كه به صورت بسيار ساده و ابتدائي بودند و قاطبه آنها براي راهنمائي و نمايش عوارض زمين و به صورت كلي اطلاع از مكان ها بوده، مفيد و مورد استفاده ي عموم بوده اند. در گذر زمان و پيشرفت علم نقشه نگاري و با ظهور طراحان كاربلد و حرفه اي در اين عرصه، علاوه بر اينكه نقشه و طراحي آن از صورت ابتدائي خارج شد، انواع گوناگوني از نقشه ها روي كار آمد و به تبع آن، ترسيم و طراحي نقشه نيز پاي به مرحله جديدي نهاد و موجب پيشرفت روز افزون اين حرفه تحت عنوان كارتوگرافي شد. يافته هاي تحقيق نشان مي دهند كه اغلب نقشه ها براي هدف غايي و راستين خود يعني دادن آگاهي به مخاطبان و علاقه مندان نقشه و نقشه خواني نبوده است. با توجه به نتايج تحقيق مي توان گفت عواملی چون قدرت حاکمه، سياست دولتمردان و سياست مداران و نيز عوامل زیبایی شناسی و روانشناختی در عدول نقشه از رسالت خود موجب شده كه نقشه تحت تأثير عوامل مذکور دستخوش دگرگوني هايي شود تا با اهداف دستور دهندگان تهيه و ترسيم نقشه و چه بسا با آمال و آرزوهای يك کشور هم سو و هم ساز گردد.

مربوط مي شود و به عبارتي روشن تر، ذهن و روان خوانندگان نقشه را درگير مي كند، مي توان ادعا كرد كه دورنماي اهداف و اغراض سياسي سياستمداران با داشتن قدرت حاکميت آنها براي دستيابي به ممالک و توسعه ي سرزميني خود به مثابه ي برانگيختن حس غرور و جهانداري مردمان سرزمين خویش و نازيدن به اصالت و ان مادري بوده است.

با اين وجود، بايد اذعان كرد كه عوامل روانشناختي و زیبایی شناسي كه با هنر آميخته است، خود به طور مجزا مورد بررسي قرار گرفته و شامل مواردی است كه به صورت طبقه بندي شده ارائه گرديد و تأثيرات آن در نقشه ذكر شد نمي توان گفت كه ابتدائي ترين نقشه ها طبق اراده و خواسته ي عوامل پشت پرده و به اصطلاح قدرت حاکمه به تصوير كشيده شده اند؛ زيرا كه اين نقشه ها كلي بوده و تنها براي راهنمائي عامه ي مردم بوده است. چنانچه تهيه و ترسيم يك نقشه امكان داشته كه ساليان زيادي به طول بينجامد. در سير تاريخ ترسيم و طراحي نقشه ها و گذر از دوران سادگي و كلي نگري اين فن، رفته رفته ترسيم و طراحي نقشه يك علم مستقل شد. تا جايي كه طراحي نقشه هاي حتي بسيار دقيق و ديجيتالي هم بيش از چند ساعت زمان نمي برد. به اين ترتيب، سلائق جاي وظايف اصلي را در نيت طراحان نقشه گرفت. و نقشه كش هم به طمع ثروت اندوزي و كسب درآمد بيشتر در قبال كار خود، تعصبات قومي و انعكاسات سياسي و قدرت قدرتمندان را در نقشه ها به نمايش گذاشتند. باز هم تأكيد مؤكد مي كنيم كه همه ي نقشه ها بدينسان نبوده اند و نبايد همه ي نقشه ها را به اين چشم نگاه كرد كه آنها بر اثر سفارش و توصيه ي دستور دهندگان طراحي نقشه بوده اند.

## ۷- منابع و ماخذ:

- احمدی، سید عباس و همکاران (۱۳۹۷)، تبیین نظری بسترهای شکل‌گیری رقابت‌های ژئوپلیتیکی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰.
- احمدی، مرضیه (۱۳۹۵)، پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بدیعی ازندهی، مرجان؛ رسول‌افضلی، علی، امیری (۱۳۹۶): فهم نقشه سیاسی از منظر قدرت/ دانش، پژوهش‌های جغرافیای انسانی دوره ۴۹ بهار ۱۳۹۶ شماره ۱ (پیاپی ۹۹)
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)؛ رویکردی جدید به تاریخ پیدایش و بنیان‌گذاری جغرافیای سیاسی در جهان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره اول دوره بهار
- حیدری موصولو، طهمورث و همکاران (۱۳۹۳)، تأثیر چالش ژئوپلیتیک بر همبستگی ملی (مطالعه موردی: جزایر سه گانه)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره بیست و یکم.
- رجبی، سعید و احمدزاده، ایرج (۱۳۹۷)؛ تبیین ژئوپلیتیکی الگوی رقابتی روابط ایران و قطر، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳، دوره زمستان، صفحه ۷۵-۹۹
- رنجبر، سرتختی، اکبر (۱۳۹۵)؛ ارزیابی کارتوگرافیکی از قدرت، سیاست و روانشناسی موجود در نقشه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۵)، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، نشر میزان، تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۹) نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس
- مویر، ریچارد (۱۳۹۰)؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- میرحیدر، دره، حسین، حمیدی نیا (۱۳۸۵)؛ کالبد شکافی نقشه و نقش آن در اعمال قدرت و القاء سیاست، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی دوتیره ششم پائیز و زمستان ۱۳۸۵ و بهار و تابستان ۱۳۸۶ شماره ۸ و ۹
- واعظی، محمود (۱۳۸۵)؛ اروپا و مسئله امنیت در خاورمیانه، مجله راهبرد، شماره ۴۱، پاییز.

*Filipov, D. (2016). The Maps show Russia has Europe Spooked.*

*Glassner, Martin Ira, 1993: Political Geography. United States of America: New York: Johan wiley& Sons, Inc.*

*Hanks, R.R. (2011). ENCYCLOPEDIA of GEOGRAPHY TERMS, THEMES and CONCEPTS, ABC-CLIO, Oxford, England.*

Henrikson, A. k. (1994). *Power and politics of maps*. In G. J. Demko and Wood Eds. *Reordering the World* (pp. 49- 7۰). □□□□□□ □□□□□□□□: □□□□□□□□ □□□□□.

